

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۴ می ۲۰۱۳

فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه

در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان!

۲۰

"محترم ترین انسانها، آنهاهی نیستند که هیچگاه مرتکب اشتباه نمی شوند، بلکه کسانی هستند که وقتی اشتباه می کنند آنرا می پذیرند و برای جبران، باتمام وجود تلاش می کنند".

خلقی دو آتسه ای که دو سازمان انقلابی را تسلیم جلادان خلقی- خادی و پرچی کرد!!!

خلقی فاشیستی که عده زیادی از انقلابیون را در سلاخ خانه های (خاد) در کام مرگ سپرد!!!

هم میهنان آگاه و انقلابیون با وجدان!

هرات باستانی در بستر تاریخ حالات بسا متنوع داشته است و بر اوج ترقی و تعالی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی عروج کرده است. این خطه تاریخی زادگاه بهترین نخبگان، فرزندگان و مبارزانی همچو عبدالرحمن جامی، بهزاد، عبدالله انصاری، قارن هراتی، رستاخیز و..... می باشد. هرات باستان نه تنها به شهر تمدن و فرهنگ مشهور بود بلکه به خانه و زادگاه شعله ئی های مبارز نیز شهرت بسزائی داشت.

متأسفانه در ولایت فرهنگ و تمدن و گذرگاه ابریشم، مار موسکی به نام داکتر غفور «ثنا» نیز متولد شده است و خلاف اکثریت مردم بومی و با اصالت «هریوا» وطنفروشی، جاسوسی، حيله گری و اپورتونیسیم به مثابه داغ ننگ بر پیشانی اش حک و بر گردنش همچو طوق لعنت جلوه می کند. این لگام گسیخته پست و فرومایه که در مقابل میهنپرستی و میهن پرستان شدیداً احساس حقارت می کند و عقده های نهفته دارد، دو سازمان سیاسی چپی یعنی سازمان «اخگر» و سازمان «پیکار» را توسط (خاد) نابود کرد و تعداد بی شماری از جوانان انقلابی میهن را از گوهر هستی محروم ساخت. با اثر این بی ناموسی و حرکات ضد انقلابی بعد از در بست سپردن «اخگر» به دولت پوشالی و تحویل دادن انقلابیون اخگری در دست جلادان خلقی و پرچی در جهت سلاخی و تسلیمی «پیکار» به (خاد)، در دفاتر انجو ها در پاکستان به کار گمارده شده و توسط آنها به هالند انتقال داده شد. وی

منحیث وظیفه محوله از هالند به خاطر بد نامی افتخارات جریان دمکراتیک نوین افغانستان (شعله جاوید) و سازمانهای عمده جنبش انقلابی، رهبران و کادر هایش مزورانه و عقد مندانه عمل کرد و خواست تا در این اوضاع مغشوش و آشفته سیاسی ضربات محکم بر فرق جنبش شعله نی و جنبش انقلابی فرود آورد و راه را برای رشد و احیائی مجدد «حزب دمکراتیک خلق» تحت پوشش «مائوسیم» آماده سازد؛ در این گیرودار ها بود که ماهیت ارتجاعی اش افشاء و رسوا گشت و همان بود که مشیت های آهنین «موسوی و میرویس» بر فرقتش وارد گردید و آن ضربات چنان قوی بود که تا هنوز (گنس و گول) است و هذیان می گوید.

مسأله مهمی که چهره این خفاش زشت سیما و زشت خو را در معرض نمایش آفتاب حقیقت قرار داد همین عملکرد های اپورتونیستی اش از هالند خلاف و ضد چپ انقلابی بود. اگر این مارموسک قدرت طلب، طماع و شهرت پسند حتی یک روز هم با صداقت تام به دور شمع فروزان شعله جاوید چرخیده بود و همچنان در دستر خوان (شعله) نمک خورده بود چنین گستاخانه و بی ناموسانه به تخریبش نمی شتافت و نمکرامی نمی کرد!!! سازمانهای «اخگر و پیکار» باید این جاسوس و ظنفرش و خلقی بی شرف را منحیث جنایتکار جنگی به محکمه ملی و بین المللی بکشانند و به جزاء و سزای اعمال ننگینش برسانند.

یک موضوع دیگری که توجه ها را به خود جلب نموده است، نفرت عمیق این خلقی جنایت پیشه علیه جنبش شعله نی و جنبش انقلابی، رهبران، کادر ها و منسوبینش می باشد. یک شعله نی و یا یک عضو جنبش دمکراتیک نوین با این درجه خشم و نفرت به همزمانش هرگز نگاه نکرده و بدون دلیل مستند لجن پراگنی نمیکند؛ جز سگان وفادار به کرملین و رویونیست های خلقی، پرچی و جلادان اخوانی فرد دیگری به چنین عمل ضد انقلابی مبادرت نورزیده و نمی زند!!!

اگر این خرچنگ زشت خو و زشت کردار فردی و یا افرادی را در جهت تصحیح نمودن مورد نقد و انتقاد قرار می داد و به عکس جانب مقابل نیز جواب منطقی ارائه می داد و یا انتقاد وارد شده را می پذیرفت، این شیوه صحیح و سالم انتقاد بود که در تکامل و پیشرفت افراد و سازمانها و... مؤثر واقع می شد.

داکتر «غف» مرده ها و جانباختگان را نشانه گرفته است تا عملکرد های انقلابی شانرا تحت سؤال ببرد و هم ضربات مهلکی بر اندیشه های انقلابی آنها وارد بسازد و همچنان «مائوسیم» خروسچی اش را تبلیغ نماید و خودش را منحیث یک رهبر انقلابی از «هالند» تبارز دهد. خوشبختانه یاران و رهروان انقلابیون بزرگ به دفاع از رهبران و اعتقادات انقلابی رهبران و یاران انقلابی شان پرداخت و موش پران هالند نشین را سر جایش نشانید و چهره ای اصلی این کوتوله سیاسی شنیاد را برای انقلابیون و مردم معرفی نمود.

داکتر غفور ثنا «غف» در اعلامیه شماره (۴) اش بعد از یک سکوت طولانی و در اثر فشار های «سازمان خران و سگان» و شخص «صدر» صادق ظفر «چقر» چنین غف میزند:

"میرویس محمودی" این جاسوس خابین درپخش سند شماره (۳) وظیفه ای مزدوری و جاسوسی اشرابه امپریالیسم و ارتجاع طبق تعهدش انجام داده و به این طریق نام ننگین اشرامنحیث یک جاسوس خود فروخته یکباردیگر در تاریخ به ثبت رساند. ننگ بر این مزدور فرومایه و مریبان و حامیان رویونیست و اپورتونیست وی".

سفسطه، مغالطه، زبان بازی، برهان تراشی و استدلال غلط یک سفله حقیر و بی غیرت را بنگرید که در مرز های مردن هنوز هم از دروغگوئی، دوسیه سازی و دسیسه جوئی دست بردار نیست؛ زیرا همین مارموسک بود که خودش از طریق «سازمان بی ناموسان زنازاده» مرا به باد فحش و ناسزا گرفت و اسمم را افشاء کرد. حالا با وصف این حرکت جاسوسانه و بی ناموسانه اش به دری وری گفتن پرداخته است و قضیه را معکوس جلوه می دهد

تا افرادی را گول بزند و در حالی که هیچ کس گول این خلقی ملعون و دجال شرفباخته را نمی خورد. من مصمصانه تعهد کردم که اگر «غف» اراجیف و لجن پراگنی های «سازمان خران و سگان» را از صفحه «پیام آزادی» دور نکند، اسمش را افشاء خواهم کرد که چنان هم کردم. شکی نیست که اسم به مثابه دشمن آشتی نا پذیری خلقی، خادی و پرچمی ثبت اوراق تاریخ خواهد شد که این جزئی از افتخارات زندگی ام محسوب می گردد.

داکتر چلیپاسه «غف» از اطاق خوابش چنین عف و جف و غف زده و قوله می کشد:

"ساما" که بعد از شهادت مجید در منجلاب اپورتونیسیم و جمهوری اسلامی خواهی و تسلیمی به دولت مزدور خلقی پرچمها] خلقی ها و پرچمی ها] و سوسیال امپریالیستهای روسی غرق شد".

داکتر بزدل و جبون «غف»، تو که اگر همت و جرأت مبارزاتی می داشتید زمانی که عضو رهبری «سازمان پیکار» بودید اشتباهات و «انحرافات» (ساما) و دیگر سازمانهای انقلابی جنبش مقاومت ملی افغانستان را به نقد می کشیدید و در راه تصحیح شان به مثابه یک فرد «انقلابی» گام های متین و شمرده بر می داشتید که چنان جرأتی در شأن شما دیده نمی شد. حالا هزاران کیلو متر دور تر و از زیر سقف خانه تان در هالند، غر و فش را به راه انداخته اید و در نبود جانباختگان مشقت در تاریکی می زنید.

عملکرد های ارتجاعی و اپورتونیستی داکتر «غف» مارموسگ به صراحت به اثبات میرساند که ایشان مهره ای شوت شده ای ک-ج-ب در داخل سازمان «اخگر» و جنبش دمکراتیک نوین بود و اگر چنان نمی بود چگونه و چطور یک شعله ئی و یا یک عضو جنبش انقلابی در مورد رهبران و جریان دمکراتیک نوین و جنبش انقلابی چنین حرکت عقده مندانه و قضاوت جاسوس مآبانه می کرد؟! تنها اخوان و خلقی ها و پرچمی ها بودند که چنین احساس نفرت و انزجار در مقابل شعله ئی ها و اعضای جنبش انقلابی داشتند!!!

در غیبت شیران کور موش پنیر خور هالندی به خود «جرأت» می دهد تا ادای شیر را در بیآورد. نخست تو کور موش لعنتی و حامل میکروب با نوشتن «مجید» واقعاً فکر می کنید که گویا سردار اسطوره ها را سبک می سازید و یا به ایشان اهمیت قائل نمی باشید و حرمت نمی گذارید؟! شما کور موش با این کار تان بر قیور نا مطهر اجداد تان جواب چای می کنید و در ثانی اینرا هم باید بدانید که تا به حال همچو قهرمان قهرمانان مجید بزرگ مادر در ادوار تاریخ و تا به حال فرزندی دیگر نزنیده است که جای خالی اش را پر کند و بدون شک و شبهه مجید کبیر در قلب میلیونها انسان دردمند سرزمینم جا دارد و اسم و رسمش در لوح خاطره ها جاودانه نقش خواهد زد. تاریخ اسم باهویت این سردار آزادگان و عضو جنبش دمکراتیک نوین و رهبر بزرگ جنبش مقاومت ملی و انقلابی کشور را با خط درشت در صفحات طلایی اش درج کرده است. سوم اگر در نزدیکم می بودید و اسم ابر مرد بی بدیل را تنها و خالی ادا می کردید دهن نجست و دندان های ساختگی ات را می شکستم و دندانهای کثیف را در حلقوم چتلت فرو می بردم تا درس عبرت برای دیگران می گردید. زمانه سر چپه شده است و حالا هر و فکر می کنند با جرأت و شهامت شده اند؟؟؟؟!!!

کودن انجونیست و جاسوس پلید، این که من دارای چگونه شخصیت و عملکرد های می باشم مردم و تاریخ قضاوت می کنند. تاریخ دهه هشتاد و آغاز جنبش متعلمین و محصلان شاهد شورشگری و شهامت یک جوان لیسه نادریه می باشد که در نبرد رویاروی با کماندو های روسی با دستان خالی و اما با روحیه سر شار از عشق به مردم و به میهن افتخار آفرید که شاهدان آن حماسه هنوز زنده اند. مردمانی اند که تنها تفنگ به دست گرفته و اما در هیچ جنگی شرکت نکرده بودند و اما خودشان را تاج سر همه می پنداشتند و فخر می فروختند. مادر عمل کار و پیکار کرده ایم و اما تا به امروز آرام و خاموش نشسته و فخر فروخته ایم. این که شخصیت های ما چه دیروز

ترور شده باشد و چه حالا، ما را باکی و پروائی نیست زیرا می دانیم که حجم و ظرفیت، صبوری و مردانگی ما به کدام پیمانانه بوده و است. قضاوت یک مریض روانی و روانپزش مشهور عفو و غفی بیش نبوده و نیست.

این که تو ماچه سگ پیر و عقده ئی که دارای سوابق ننگین چهل ساله جاسوسی می باشی و دو سازمان را نابود و اعضایش را در کام مرگ رهنمون کرده ای، پس از تو پتیاره سیاسی و سلیطه بیمار روانی که (کخ) هائی تانرا در تحقیر و توهین رهبران جنبش مقاومت ملی و شعله ئی فرو می نشانید و همچنان درد (بواسیر) عقل و ضمیرت تانرا گرفته و کور نموده است؛ چه توقعی از تو جانور انگلی می توان داشت که جنبش شعله ئی و جنبش انقلابی با رهبرانش را تعریف و توصیف نمائید و یا نقش ملی و انقلابی (ساما) را در جنگ مقاومت ملی ارج بگذارید و یا به پنجاه هزار از شهیدان و جانباختگان جنبش انقلابی و شعله ئی سر تعظیم فرود بیاورید!!!

عقل نباشد واقعاً جان در عذاب می باشد؛ چرا که تو لولوی دیوانه ... همه را اپورتون نیست، تسلیم طلب، رویونیست و..... خطاب می کنی و در بد نام سازی سازمانهای عمده مقاومت در پیشاپیش آنها (ساما)ی قهرمان نهایت کوشا بوده، تهمت ها و بهتان و افتراء می بندی و اما خود تو پستفطرت، حرامزاده و زنا زاده «پیکار» را بدون جنگ تسلیم روسها و خاد نموده و سازمان اخگر را در بست نابود کردی و به دوان آن از همه از آغوش خرسهای قطبی ریمیده و به آغوش امپریالیسم کابوئی آر میدی و سه بار در دفاتر انجو ها خدمت و جاسوسی نمودی و بالاخره نعشت را با متباقی اهل بیت تان همره با «و ان یکاد» به هالند منتقل ساختند. پس جانوری وحشیی همچو تو تنها خود را در آئینه شکسته دیده و خواب قهرمانی و انقلابیگری را می ببینی. اگر فردی مسؤل که در عمل و پراتیک مبارزه کرده و در بین مردمش بوده باشد و غم و اندوه مردم را با گوشت و پوستش لمس کرده باشد، اگر مربوط جنبش دمکراتیک و یا جنبش انقلابی باشد و با استدلال اصولی، علمی و منطقی نقد و انتقاد کند نهایت آموزنده بوده و منحنیث رهگشا و چراغ رهنمائی است برای آینده ای ما. باید از اشتباه آموخت و تکرارش نکرد و این است یک حرکت انقلابی و مطابق با معیار های دیالکتیک.

پس برای داکتر غفورک «غف» و متباقی باند «مائویستها» پیشنهاد این است، زمانی که میخواهید از مجید بزرگ-فیض بزرگ و رهبران شعله ئی و (ساما) ی انقلابی و دیگر سازمانهای چپ انقلابی اسمی ببرید خواهشمندم که نخست دهن گندیده و بد بوی تانرا با عرق گلاب شسته و غرغره کنید ممنون خواهم شد.

این که (ساما)ی فعلی ادامه دهندگان و یا نا ادامه دهندگان و.. که هستند ربطی بمن ندارد و اگر کدام کتره، کیانه و طعنه دارید لطف کنید برای خود آنها مستقیم بنویسید نه از طریق من، زیرا هیچ گونه رابطه و مسؤلیتی در قبال آنها نداشته و ندارم؛ امید که گوشدراز فهم شده باشید و به این حرکت خزانۀ تان پایان ببخشید.

داکتر غفور «تتا» خلقی دو آتسه و جاسوس کهنه پیخ نقش یک انقلابی شعله ئی را به خاطر اغواء و فریب اذهان بازی می کند:

" زمانی مواضع و نظرات انحرافی گروه های رویونیست و اپورتونیست و تسلیم طلب منجمله "ساما"، "سازمان رهائی"، "اخگر"، "ساوو-املا" و "سازمان انقلابی" افغانستان توسط ما و دیگر بخشهای جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) کشور مورد نقد قرار گرفتند و چهره های واقعی آنها خاصتاً برای نسل جدید جنبش انقلابی پرولتری و جنبش مترقی کشور افشا [افشاء] گردید؛ دچار جنون شده و بگونه هستریک حملات اپورتونیستی راعلیه جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) آغاز کرده و اقدام به انتقامگیری کردند. این گروه های اپورتونیستی و رویونیستی و تسلیم طلب که در جنبش انقلابی و جنبش چپ کشور گذشته ای تیره و تاری دارند؛ بجای ادامه مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی؛ به تاکتیکهای ارتجاعی و خاینانه متوسل شده و عنصر او باش و فحاش و جاسوسی را بنام (میرویس محمودی) به روی

صحنه آورده اند تا علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتاری (م.ل.م) فحاشی، توطئه گری و جاسوسی کند و از این طریق عقده های متراکم شان را علیه خط انقلابی پرولتاری (مارکسیستی- لنینیستی- مائوئیستی) می کفانند".

داکتر «غف» از همه گروه ها نام می برد و اما در کمال حرامزادگی از «سازمان پیکار» که نه مبارزه کرده است و نه جنگ بلکه افلاس خط داده و تسلیم شده است یادی نمی کند، چرا؟!!

آن گروه ها و شخصیت ها که اراجیف تو بیمار دغلباز را مطالعه میدارند و متوجه لجن پراگنی تان می شوند، بالای خر گری تاریخی ات تمسخر می کنند زیرا هیچگونه پل ارتباطی بین ما برقرار نبوده و نیست و تو پخپلو با این نوع شارلاتانی خودت را قناعت داده و ارضاء می کنی. به خاطر همین حماقت ها و چشم پتکان های طفلانانه ات بود که مایه ریشخندی همه واقع شده اید و هیچکس تو را جدی نمی گیرد؛ شاید خودت نیز متوجه شده باشید!!

داکتر غفور «ثنا» ساکن هالند و از هرات، بیا بیناموسی های جاسوس گرانه و خلقی گری محیلانه ات را کنار بگذار و با اسم اصلی ات خود وارد بحث شده و سوابق «مبارزاتی» ات را برای مردم معرفی دار و بعد مواضع و نظرات «انحرافی» سازمانهای مقاومت ملی و رهبران شان را به نقد بکش تا نسل نوین بدانند این حرامزاده مکاره و جاسوسی که در عقب اسم «پولاد» آبستن و پنهان شده گشته واقعا که است و اسمش چیست. بعد من هم در مورد مواضع قهر آمیزم نسبت به تو شفتتر و پنجر شده تصمیم گرفته و تغییرات اندکی آورده و تنهائی تنها با احترام متقابل بر اصل دیالکتیک تبادل افکار می کنم. اگر جرأت دارید و ریگی در کفش ندارید به چلنجم لبیک بگوئید. اگر پاسخ منطقی به سوالاتم داده نشود شاهین وار تعقیب تان خواهم کرد و این را هم بدانید که هیچگاهی و در هیچ شرایطی از دستم نفس راحت نخواهید کشید و آب خوش از گلو های تان پائین نخواهد رفت. تا زمانی که دست بسته تسلیم نشوید و به جاسوسی و تجارت سیاسی تان خاتمه نبخشید مرا در هر جا و هر کجا خواهید دید .

تا حال هیچ گونه نقد اصولی از جانب شما «چهل ساله مبارز» دیده نشده است و تنها شجره سیاه و اعمال و کردار ننگین تانرا با نشر ابتذال، اراجیف و لجن پراگنی به نمایش گذاشته اید و حتا به یک سوال ما تا حال جواب ارائه نکرده و منتقد را با قهر و خشم و نشاندادن جنگ و دندان جواب داده اید. این که «میرویس ودان محمودی» منحیث وظیفه با مشت های آهنینش جمجمه و دندانهای همه تان را شکست. حالا که زار و ناتوان و گریان و نالان اشک تمساح میریزانید و کوشش می کنید که چهره ام را در انظار بد جلوه دهید و از خود «مادر تریسا» بنه مایش بگذارید؛ در حالی که مردم شاهد جر و بحث های ما بوده اند، شما هر قدر خوب و خراب بگوئید و اتهامات و افتراآت خود را معیار قضاوت قرار دهید از نگاه مسائل حقوقی به کوچه حسن چپ تشریف برده اید؛ زیرا مجرم و مجرم علیه توسط مرجع سوم که قاضی می باشد پیگرد، تعقیب قانونی و بازخواست می شود نه مدعی و مدعی علیه، او بیمار روانی و عقده ئی خرف، پس مردم قاضی اند نه خرچنگ غلوتروش خور و مارموسک های حیران و ناتوان همچو شما!! خدا می داند که عیال تان چقدر الحمد و سه قل هو الله کوف و چف می کند تا از چنگال و پنجه هایم رهائی یابید!!

از نگاه شما روانپزش این «چپ انقلابی و فعالین جنبش انقلابی پرولتاری (م.ل.م)» کدام بی ناموسان، زنازادگان و حرامزادگان تاریخ اند و که ها می باشند که مردم تا همین حالا از شنیدن اسم شان بی خبراند؟! ههههههههههه

چهار و یا پنج تا خران، زخمی و خرف و جاسوسان ک.ج.ب و «حزب دمکراتیک خلق» همچو داکتر غفور ثنا هراتی- «انجنیر» صادق ظفر جاغوری و دو سه تا کل و کور و بیمار روانی و عقده ئی کوانتل پرو هههههههه از خنده مردم، در هالند و در خارج کشور خویش را «چپ انقلابی و فعالین جنبش انقلابی پرولتاری (م.ل.م)» نامیده که نه تنها هیچ سوابق مبارزاتی م. ل. ا. ندارند بلکه اصلاً در عمل هیچگاهی نرزمیده اند، جاسوسی کرده اند،

سازمانهایی را به خاک و خون کشیده اند ، سلاح ها و مهمات و اسناد های سازمانهای انقلابی را دزدیده و فروخته اند و مهمتر از همه این کلاشهای پستفطرت تربیت شدگان دست ک.ج.ب بوده و در انجوه های امپریالیست آبتن شده اند و کثیفترین موجودات پلید و پرازیتی میباشند.

داکتر «غف» جاسوس «سیا» و ک-ج-ب در کمال بی شرمی چنین مدعی می شود:

" واین خایانه ترین ورذیلانه ترین شیوه ایست که این رویونیستها واپورتونیستهاى منحنط علیه جنبش انقلابی پرولتری(م.ل.م) وفعالین این جنبش بکارمی برند. محتوی این "فحشنامه ها" ازیک طرف بیانگرافلاس وورشکستگی سیاسی وانحطاط ایدئولوژیکی وفکری این باندهای اپورتونیست ورویونیست است وازجانب دیگر "شخصیت" وهویت "موم" این جاسوس هرزه را به نمایش می گذارد".

«قرا قر» داکتر پوپنک زده و لافوک؛ کدام جنبش انقلابی پرولتری(م.ل.م) وفعالین این جنبش ؟؟؟!!! این جنبش در کجا مصروف مبارزه است و فعالینش که ها اند؟

خایانه ترین ورذیلانه ترین شیوه هائی را که در بد نامی انقلابیون استفاده می کنید این خود نشاندهنده جاسوس بودن و اپورتونیست بودن تو «پوک» فرتوت و دیگر هم قلاده های هزاره ایست و چنگیزیستت می باشد. تو داکترک تنبلک بیمار و عقده ئی، بی شرف و عاری از شرافت و بدون گوهر و جوهر انسانی که به مثابه کاغذ تشناب توسط هزاره ایست های چنگیزیست، «صادق ظفر چقر» و رئیس جمهور منتخب «حزب» چنگیزیست و انجونیست مربوط به «حسین جاسوس» استفاده می شوی؛ کوچک وار بر هر جنبنده ای پارس می کنی تا در این سنین مرگ و میر به جاده شهرت پا نهی و هم در پناه آنها محفوظ باشی!!!

رفیق «موسوی» یک تن از رهبران یکی از جانباز ترین نیرو های طراز نوین جنبش مقاومت ملی یعنی خار چشم تو قانغوزک و دیگر مرتجعان (ساما)ی قهرمان و پر آوازه بود.

میرویس یک تن از رزمندگان شهری (ساما) بود که مردم کارته پروان و لیسه نادریه این چهره مبارزاتی را به خوبی می شناسند و برایش ارج بی پایان می نهند. پس تو داکتر غفور «غف» جاسوس ذلیل و حقیر، در مقایسه با گرگ دو رگه ام، سگم مردانه تر، با جرأت تر و با پاستر از تو ماچه سگ پیر و گرگی و تر شده می باشد. جاسوسی و هرزگی کسب فامیلی ات بوده و خون جاسوسی در رگهای تو وجدانباخته کثیف در جریان می باشد. پس به این نتیجه می رسیم که سگ های دم در «موسوی و میرویس» میلیونها مرتبه با شرفتر و با همتر نسبت به تو سگ دیدو ، گرگی، بی دم و تر شده می باشد و اینرا همه می دانند. بناءً طرز دید و حرکات کجدار و مریز و زیگزاگ گونه تان بیانگر افلاس و ورشکستگی سیاسی وانحطاط ایدئولوژیکی و فکری خودت و همپاله های اپورتونیست و رویونیست «مائویست» تان بوده و نه تنها تزلزل ایدئولوژیکی تان را ثابت کرده است بل تزلزل شخصیتی تان را بنمایش گذاشته است.

غفوروک غف می زند:

" از این یاوه گوئیها وفحاشیها وجعلکاریها ودروغ پردازیهها برمی آید که علیه شخصیتها وفعالین جنبش های انقلابی و مترقی استفاده کرده وآنهار مورد دشنام، هتاک و فحاشی واتهام قرار داده اند ".
بگی که نگیرید؟! "

غفور ثنا «پولاد»، همین چرند نامه و لجن پراگنی ات خواننده را بدان وا می دارد تا قضاوت نماید که شما «خرچنگ» در لچکی، یاوه گوئی ، فحاشی ؛ جعلکاری، دروغ گوئی و هزاران جعلکاری و بی ناموسی ید طولوا و تجربه خانوادگی دارید و این ارث فامیلی تو روانپیش نادان را در انظار به مثابه گ .. گگ سر چوبک ساخته

انقلابی و میهنپرست و شخصیت طراز نوین زائیده و به اجتماع تقدیم داشته است و به همان دلیل «غف» فرشته خو و فرشته صفت می باشد!!

داکتر پوک و مارموسک خود را یک قدم جلوتر از «پاولوف و فروید» نشان داده و می انگارد و در باره ای تغییر و تحول در شخصیت، اخلاق و طرز تفکر افراد جامعه صحبت می کند و «ثبوت» می کند که کدام زمینه ها و فکتورهای اجتماعی، سیاسی و روانی مختلفی در تغییر شخصیتی و سیاسی افراد دخیل بوده و رول بارز را بازی می کند. این فرد بیمار روانی در باره افرادی از اجتماع صحبت می کند و اما این روانپزشک بیمار خودش را تا بحال در آئینه حقیقت ندیده است و عملکردهای چهل سال گذشته اش را در پله ترازوی قضاوت نگذاشته است تا ببیند که خودش دارای چه نوع تزلزل شخصیتی و سیاسی بوده و چرا در واقعیت امر یک اپورتونیست و جاسوس کار کشته می باشد!!!

داکتر «غف» انجو اکانومیست جاسوس که خودش در خدمت انجو ها جاسوسی می کند و از سابقه داران خلقی می باشد کوشش می کند که از شخصی به نام غفور ثنا شخصیتی بسازد:

"وقتی "موم" خایبانه نام و هویت من را برای استخبارات امپریالیستی و دولتهاوگروه های ارتجاعی افشا می کند؛ بدون هیچ شکی باید برای دستگاه خاد رژیم مزدور خلقی پرچمی ها جاسوسی کرده باشد و اکنون هم برای استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی خدمت می کند".

داکتر غفور «غف» در بالا چنین اذعان کرد که من جاسوس کار کشته ای هستم و اسم جاسوس بر حال امپریالیسم را برای امپریالیسم افشاء کرده ام؛ هههههههه اسم و ولد و شجره ای فامیلی غفور «نثا» در دفتر انجو های هالند و اتریش و سفارتخانه های کشور های معینی و همچنان در دفتر استخبارات هالند و «سیا» محفوظ است. حالا این احمق روزگار و سفسطه باز مریض آمده و واویلا به راه انداخته و داد و بیداد می کند که میرویس اسم کنفیش را افشاء کرده است؟! زمانی که «غف» اسمائی «موسوی و میرویس» و «سمندر» را افشاء می سازد تو گویی که مارموسک دست به یک حرکت انقلابی زده است؛ زهی عرعر خراشه!

داکتر غفور «نثا» خرچنگ در بالا متذکر شد که میرویس یک جاسوس کار کشته و با تجربه استخباراتی می باشد و از سابق درین رشته درس خوانده و تعلیم دیده است؛ و اما داکترک درینجا حرف خودش را خایبانه نمی کند و برایم مشوق و آموزگار و مرشد می تراشد و مدعی می شود که رفقاء «ک-ت و رفیق موسوی» مشوقان اصلی ام بوده تا چهره و اسم جاسوسی و اپورتونیستی داکتر غفور قرتکی و فرتکی را رسوا و افشاء بسازم !!! غفور موش پران، تو که راست می گویی به قبر جد دروغگو گاو میش های ولگرد هندوستان بشاشد!!

" میرویس(محمودی) در این عمل خایبانه جاسوسی علیه (من) تنها مسئول[مسئول] نیست؛ ولی طنز قضیه اینجاست که همین "جاسوس شناس ماهر" آموزگار و مشوق میرویس (محمودی) جاسوس و فحاش و توطئه گراز آب درآمد".

غفور «خرچنگ»، تو آنقدر حقیر و کوچک و پست و رذیل می باشی که دروغ و دغل را پیشه ات ساخته و در حالی که حقیقت خلاف مدعی تو بی ناموس ضمیر باخته می باشد. این تو بودی که از گرانقدر ک-ت خواستی و استدعا نمودی که مرا در «پیام آزادی» بیآورند تا از شهرت مبارزاتی ام سایتکت پله های شهرت را ببیماید. پیشنهاد ایشانرا رد نمودم و اما در اثر اسرار ایشان خلاف خواستم با «پیام آزادی» پیوستم. با آمدن و پیوستن «میرویس ودان محمودی» «پیام آزادی» نفس تازه ای گرفت و از حالت مرده و راکت بر آمد و به تعداد نویسندگان و مضامینش افزوده شد. اگر اشتباه می گویم، خوانندگان عزیز را دعوت می کنم تا زمانی که در «پیام آزادی» می

نوشتم یک نگاه گذرا بیندازند متوجه می شوند که چقدر تغییرات نوینی در «پیام آزادی» پدید آمده بود و اما بعد از رفتن متوجه شوید که «پیام آزادی» به چه حالت زاری افتاده است که حتا پشه هم در آنجا پر نمی زند!! و تنها سگ و خر، چتر و مارموسک «پیام آزادی» را به لجنزار دروغپراگنی، توطئه و جاسوسی شان مبدل کرده اند. داکتر غفور «ثنا» مشهور به «غف» تحت اسم «پولاد»-«پیام آزادی» و..... صفحه بیرمق و مرده ای «پیام آزادی» را سیاهتر و کثیف تر می کند و به جرم و گناهان نابخشودنی اش می افزاید!

پس سمت را از منابع «پیکار» پیدا کرده ام و هم بعضی عکسها و اسناد نیز در اختیارم گذاشته شده است که در موقع لازم استفاده خواهم کرد. پس شک تو پشقل بیجا بود و دروغ از آب در آمد. آرزو مندم که روزی تو روباه دم بریده را از نزدیک دیده و تفی به بزرگی دهننت بر روی نجست حواله نمایم که لایقش می باشید!!! بلند پروازی یک قرچگگ سبکیال و بی آبرو را ببینید که از خود یک شاهین به نمایش می گذارد:

" میرویس(محمودی) وحامیان اوبدانند که در این باره قضاوت می نمایند!"

نخست «میرویس» مثل تو بزدل و ترسو نیست تا حرکتش را وابسته به داشتن حامی نماید، درثانی «میرویس» مرد دوران ها است که در هیچ برهه تاریخی حقارت را نپذیرفته و همچو عقاب پرخاشگر و شیر ژیان زیسته است. شغال ها و روباه ها از قماش داکتر غفور «غف» و یکی دو تا موشک دیگر در غیبت شیر حرف می زنند و اما در جلوی شیر به پیشگاه شیر به تعظیم می پردازند. در مورد رفیق «موسوی» عرض کنم که وی همچو آموزگار در ادبیات- فلسفه- مسائل تئوریک کمک کرده و افتخار می کنم که از ایشان نهایت آموخته ام. گراند و مبارز زندان دیده کت- مشوق بلند بردن سطح ادبی و سیاسی ام از دهه ۹۰ به اینطرف بوده اند و از نوشته های شان نهایت آموخته ام. پس رفقاء «موسوی» و کت هیچگاهی در مورد تو سلیطه نم کش و جاسوس چیزی به من نگفته و یاد نداده اند و این من بودم که علیه تو بی ناموس حرامزاده و نمکحرام بر آشتم، افروختم و گداختم و بالاخره همچو پتک سنگین و سهمگین بر فرق نجست فرود آمدم که تا به حال گیج و گول هستی. قبلاً هم در مقابل «سمندر» بر آشتم و گوشه گیرش کردم که خود شما جناب مارموسک شاهدحالم می باشید. آیا در مقابل «سمندر» کت و «پولاد» مشوق ، مرشد و حامی ام بودند و در کدام نوشته ام کمک کرده اند اگر بی شرف و بیوجدان نیستید بنویسید؟!!

اگر بی ناموس و زنازاده نیستید بیانید و حقیقت را انعکاس دهید ای شلیند زرد و مردنی؛ رفیق کت- ۸ سال تمام زندگی اشرا در پشت میله های زندان گذرانید و اگر تو موشک بی رمق را حتا برای یک روز هم در تله اسیر می کردند با رفتن جواب چای نفست از گلویت پرواز می کرد!

نوشته های کت- و از «پولاد آبستن» را ببین و بعد پارس و قوله بکش ای جاهلک، تنبلک ، جاسوسک و بی سوادک شغاره!

رفیق «موسوی» مرد عمل و پراتیک بود و در خطرناکترین شرایط تاریخ رزمیده است و در سراسر افغانستان سفر نموده است. اگر تو موش پران یک شبی را در اطراف و در بین توده ها سپری می نمودی و یا از جبهه جنگ دیدن می کردی قسم که نصف شب از ترس به خود می شاشیدی و زهره ترک می شدی!! حالا بیا یک حقیقت را بپذیر و بگو که تو نیم در صد سویه علمی و تئوریک این نویسنده ای شهیر، ماهر ، بی رفیب و مبارز انقلابی را داری و یا خیر؟

تو یک سبکیال اپورتونیست و بی شخصیت هستی و مردم هیچ فرد رزمنده و مبارزی را تحت اسم «پولاد» نمی شناسند؛ پس توده های خلق زحمتکش و انقلابی اصلاً جاسوس و جانوری را بنام غفور ثنا و «پولاد» نشناخته و اما

رهبران نیرو های انقلابی این بی شخصیت خلقی، سه بار انجونیست و جاسوس هالند و «سیا» را می شناسند که چگونه دو سازمان سیاسی را ریشه کن ساخت و اعضایش را به کمک (خاد) سلاخی نمود. نیرو های انقلابی، مترقی و آزادیخواه در باره کار نامه های ننگین داکتر غفور «ثنا» قبلاً قضاوت کرده اند، چون خر تشریف دارید تا بحال متوجه نشده اید!!

باید بدانید که با مداری گریها و شادیبازی هایت هرگز خواهی توانست که مورد قبول نیرو های چپ انقلابی قرار بگیری، حتی که از گذشته های سرپا ننگینت و عملکرد های ضد انقلابی ات انتقاد کنی و خط بینی بکشی؛ زیرا تو زنزاده آگاهانه مصدر خیانت و جنایت گشته ای. فردا توسط همین نیرو های انقلابی محکمه خواهی شد. سگ زاده ای سگ صفت و ماچه سگ خو داکتر غفور ثنا «غف» ضمن قوله کشی، پارس کشیدن، ترور شخصیت و بی ناموسی و ده ها جعلکاری دیگر در کمال بزدلی و زبونی در پیشگاه «میرویس ودان محمودی» سر تعظیم و تسلیم فرود می آورده و افلاس خط می دهد و چنین ضعیفانه عف و جف و غف می زند:

" نه این ... لومپن بی حیثیت و خاین وطن فروش و جاسوس به مناظره پرداخته و فحاشیها و اراجیف وی را پاسخ بدهیم؛ زیرا این عنصر فرومایه در هیچ سطحی ارزش مباحثه را ندارد. او وسیله ی دردست گروه های مختلف روبریونیستی و اپورتونیستی است که بیشرمانه خودرا پشت سر چنین عنصر فرومایه ای مخفی کرده اند".

داکتر غفور «ثنا»، چرا نمی گویی که تو اصلاً در هیچ جهت با میرویس مقایسه نمی شوی زیرا میرویس در عمل به ضد روسها و نوکران خلقی- خادی و پرچی اش با سر بلندی تام و قامت بلند رزمیده است و هزاران نفر از شاگردان مکتب و مردم شاهدان زنده ام می باشند. این افتخار را دارم که در مقابل روسها و سگان بومی اش زانو نزده ام و این را همه می دانند و اگر هم در خارج آمدن تنها با ۵۰۰ دالر آمده ام که همه می دانند. جاسوسی، خیانت، سست عنصری، سستی و بی شخصیتی و از خصایل عمده زندگی فامیلی ات بوده و است و بدون آن مشخصات رذیله هرگز قادر به اداره فامیلی نشده و در فراهم کردن اعاشه و وسیله معیشت شان حتمی عاجز می ماندید. خودت می دانی که مکتب و «فاکولته» را به زور تیله و تنبه و واسطه و وسیله و فشار ضبط احوالات بر استادان تمام کرده ای و از بس که زحمت نکشیده اید و کار نکرده اید، دستانت لطیف و نرم تر از کپل و کفل هایت می باشد!!

و آه! این را تو مارموسک زشت بدان که من در پشت هیچ کسی پنهان نبوده و نیستم و شیر هیچگاهی غیر از زور و توان خودش به کسی دیگری اتکاء نمی کند. تو عنصر فرومایه و ترسو در پشت نرمی کفل های «صادق ظفر چقر» و دو سه تا لوده ... های «افغانستانی» مخفی شده ای!!!

تو موشک بیسواد و جاسوس را نظر به رفتار و کردار مرموز و خاینانه ات زیر ضربات شدید گرفتم و هم با تیرم کفل های «صادق ظفر» و دیگر هزاره ایست های چنگیزبست را هدف قرار دادم و خونین کردم که درد بی قرارش ناله ها، عوعو ها و عف و جف و غف های تانرا به گوش چرخ فلک رسانیده است و همان است که میرویس را میرویس ها می بینید!!

داکتر جاسوس همچو پدر کلان انگریزی اش دست به توطئه رذیلانه می زند. چون چهره و سوابق ننگینش افشاء و رسوا گشت و توان مقابله اش سلب گردید بناءً به خاطر روان افسرده و بیمارش و خصلت جاسوس مآبانه اش باید و حتمی تاپه ای بر پیشانی انقلابیون بزند و جاسوسی اش را به اثبات برساند:

"مورد دیگری که در ارجیفنامه های "موم" به دفعات تکرار شده است، نظرات و تفکرات ارتجاعی نفرت انگیز نژادپرستانه، تبعیض نژادی است. و این مسئله هر چه بیشتر ذهنیت ارتجاعی میرویس محمودی و حامیان رویونیست و اپورتونیست وی را آشکار می سازد".

داکتر «غف» غف زدن سهل و آسان است چرا مجهول پارس می کشید؛ ادعایت را مستند ثابت کنید. من برای انسان به خاطر آدمیتش ارج می گذارم و مسأله رنگ و پوست و ملیت ... میراث جامعه طبقاتی می باشد. من در مقابل تفکرات ارتجاعی نفرت انگیز نژادپرستانه و تبعیض نژادی «صادق ظفر» این هزاره ایست چنگیزیست همچو صخره و سرو و صنوبر قامت بر افراشتم و ملیت گرایی اش را کوبیدم و مستند ثبوت کردم. بهتان زدن تو جاسوس جاهل ناشی از درد مشیت های طاقت فرسائی است که بر فرقت وارد کرده ام و همین باعث رنج و عذاب و اذیت قرار گرفته است. بار ها در این مسأله روشنی انداخته ام و این حرکت ردیانه ات را به خاطر ترغیب «ظفر» چاپلوسانه پنداشته و ثابت ساخته ای که چقدر انسان علیل و رانده شده و وامانده ای می باشی که به تپه کاه اتکاء نموده ای!!!

داکتر «شنا» بعد از لاف و پف و پتاق بالاخره چنین می جفت:

"رویزیونیستها و اپورتونیستهای حامی میرویس(محمودی) تصور می کنند که با این شیوه های خاینانه و ارتجاعی و با جاسوسی می توانند بر جنبش انقلابی پرولتاری(م.ل.م) و حیثیت و موقعیت انقلابی فعالین آن ضربه وارد نمایند و آنها را از افشای ماهیت رویونیسم و اپورتونیسم شان بازدارند. این رویونیستهای مرتد و ضدانقلاب و این چاکران بی مقدار سرمایه جهانی و امپریالیسم و ارتجاع هرگز نخواهند توانست در مسیر پیشرفت و تکامل جنبش انقلابی(مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی) مانع ایجاد کنند. و میرویس(محمودی) این دلقک خود هر چه گسترده تر در معرض تنفرومحکومیت روشنفکران انقلابی و مترقی و توده های خلق قرار خواهند گرفت. (پولاد)" ههههههههههههههههه از خنده گرده هایم را درد گرفت.

او داکتر «غف» احمق و بی شعور و دلقک بی قرار، کدام «جنبش انقلابی پرولتاری(م.ل.م)» و حیثیت و موقعیت انقلابی کدام «فعالین» در کجا و کدام موقعیت ضربه می زنی؟؟؟! هههههههههه

این «جنبش انقلابی پرولتاری(م.ل.م)» در کدام کشور به راه انداخته شده است و فعالین و مسئولینش که ها اند؟ جنبشی وجود ندارد که میرویس در مسیر پیشرفت و تکامل جنبش انقلابی(مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی) مانع ایجاد کنند؟؟؟!!!!

او دیوانه کون لولو حالا کجا است «جنبش م.ل.م» که من سد پیشرفت و تکاملش شوم. او شاید خیالپرداز از همو اهل و بیئت بشرم چرا اینقدر گزافه گو و چرند گو هستی؟! در این سن و سال حیاء کن و کمی خجالت بکش ای کوانتل پرو!!

تو که از ترس زن و روابط خانوادگی ات در زیر سایه «وان یکاد» زندگانی می نمائی و تا هنوز قادر نشده ای در درون خانه ات، از چنان اعتباری برخوردار که زن و اولادت خود را با تو هم هویت حساب نمایند، این جنبش را در کجا سراغ نموده ای که به غیر از تو و چهار تا جاسوس به مانند خودت دیگران از آن خبر ندارند. او احمق شارلتان اساساً می دانی که جنبش در لغت و اصطلاح به چه معنا است؟؟ اگر نمی دانی بدان و آنوقت خواهی دید که به ادعای های مسخره تو و آن بوزینه های همقامشت مرغ سرخ کرده به خنده می افتد، تا چه رسد به مردم عادی افغانستان!

«میرویس» خودش جزئی از پیروان «م.ل.ا.» است و در جریان مبارزه به اثبات رسانیده است که اراده اش شکست ناپذیر است.

راستی در اثر افشای اسمت چرا باز هم در آخر عر و عو و عو نامه ات غفور «ثنا» ننوشته ای و باز هم در کمال بی حیائی «پولاد» آبستن می شود را درج کره ای؟
ادامه دارد.....